

جاسوسان موبایلی

این روزها زیاد درباره شنود صداهاتوسط برنامه های تلفن همراه مثل اینستاگرام و فیس بوک شنیده ایم که شنیده هایشان را برای اهداف تجاری (و شاید غیر تجاری) و نمایش پست های مرتبط استفاده می کنند. این نمایش در همین راستا تقدیم می شود:

شب، داخلی، خانه

زن: عزیزم خسته نباشی. چه خبرا؟ بیا بشین به چالش داریم.
شوهر: بذار از راه برسم، بعد باز این چالشای مسخره رو راه بنداز!
زن: گوشیت رو بده... حالا این رو می گیرم جلوی دهننت، باید اسم دخترای فامیلت رو بگی... دخترای خاله هات، عموهات، نوه های عمه هات که هم سنت هستن، دخترای همسایه قدیمتون... خلاصه همه دخترایی که می شناسی.
شوهر: جان؟! این موقع شب از سرکار برگشتم، بیهو تو اسم دخترای فامیل رو می پرسی؟
زن: بگو دیگه، چالشه، ویوی خوبی می گیره.
شوهر: ای مرده شور این ویوها رو بیره... ترانه، سمیه، شیرین، مرضیه...
زن: بیواش تر بگو، سرعت اینترنت کنده، وی پی ان هم قطع و وصل می شه.
شوهر: می شه بگی آخر این چالش چی می شه؟ خیلی خسته م.
زن: امروز خوندم که اینستاگرام حرفای ما رو شنود می کنه، دارم تست می کنم اسم کدوم دختر رو آگه بگی، عکسش می آد توی اکسپلورت!



کارتون: مجید صالحی

شب، داخلی، فراهاسیون فوتبال

مدیرا: دادا این VAR چی شد؟ کی درست می شه بالاخره؟ هوادارا و رسانه ها پدر ما رو درآوردن.
مدیرا: عاموگرونه پول نیست، یه کانکس بذارین گوشه ورزشگاه، همون فیلمای شبکه سه رو پخش کنین تا ببینیم چی می شه.
مدیرا: ای داد... اون چیه کنارت؟
مدیرا: این؟ گوشیمه. چی طومگه؟
مدیرا: گفته بودم که گوشیت رو با خودتون نیارین توی جلسه. الان حرفامون شنود شده و سر از سایتا و کانالا و بیجا درمی آره... بیا! حرفامون رو توئیبت کردن، بدبخت شدیم!

روز، خارجی، دیپلومات

خبرنگار: ببخشین آقای مسئول، نظر شما درباره وضعیت اقتصادی چیه؟ قراره نرخ تورم چقدر بشه؟
مسئول: ببشین، اوضاع تحت کنترله. ما نرخ تورم رو بالای ۶ درصد از دولت قبل تحویل گرفتیم. کار سختی در پیش داریم، ولی قول می دیم که نرخ تورم رو در عرض یک سال تک رقمی کنیم.
خبرنگار: ولی الان اینجاست توی گوشه داره نشون می ده که شما دیشب توی جلسه موقع خوردن خیار که خرت خرت می کرده، داشتین می گفتین عمرا بتونین نرخ تورم رو کاهش بدین! بعدش هم خندیدین.
مسئول: به شدت تکذیب می کنم. البته ممکنه نتونیم نرخ تورم رو کاهش بدیم، ولی قطعاً اینترنت شمارو قطع می کنیم که دیگه توی کار ما دخالت نکنین!

روز، داخلی، کلانتری

پلیس: قفل گوشیت رو باز کن...
متهم: جناب سروان، باور کنین کلیپ بدی توی گوشیم ندارم.
پلیس: می گم باز کن. حالا بگیر جلوی دهننت، بالاتر، حالا واضح تکرار کن: طلا، پول، دلار، گاوصندوق، گوشیت، کیف، ضبط ماشین... خب، گوشیت رو بده به من... مرتیکه اینا چیه اومده توی گوشیت؟ این کیف دقیقاً همونیه که از خونه اون خانم دزدیده شده. می دونستم سرقط کار خودت بود. ببریش بازداشتگاه!



فقط دستمال کاغذی می دارین؟! خب اصلولش کنین. راحت باشین. همون پنبه و چوب پنبه و هدفون صنعتی رو بخرین و یه کم از زندگی در آرامش و سکوت لذت ببرین. البته یه راه حل ساده تر هم وجود داره که گویا عملیاتی کردنش امکان پذیر نیست. اون هم اینه که سعی کنین خودتون و وسایلتون سرو صدا نکنین، تا هم خودتون و هم اطرافیانتون آرامش داشته باشین!

مال شما بشه. چطور؟ خب فرض کنین که شما هدفون صنعتی روی گوشه تون و دارین توی پیاده رو راه می رین که بیهو یه موتورسوار تک چرخ زنان از پشت به شما نزدیک می شه و آگه کنار نرین، از روی جنازه تون رد می شه. چی؟ می گین دیشه رو می گیرین؟! خب حالا اون هم نه. موبایلتون رو بزنه چی؟ می گین موبایل نوکیا یازده دو صفر دارین؟! خب کیفیتون رو بزنه چی؟ کیف ندارین و توی جیباتون